

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۶ دسمبر ۲۰۲۱

تقابل "پشتونوالی" با "طالبان‌پرست"!

چهارشنبه- ۲۴ قوس ۱۴۰۰ - کابل: خلاف تصور آنهایی که بر مبنای سلطه قوم پشتون بر ترکیب طالبان، ادعا داشتند که گویا طالبان یعنی "پشتون" و "پشتون‌پرست"، در ضمن بحث‌ها و صحبت‌های اخیری که از جانب نمایندگان طالب و "حامد کرزی" صورت گرفته، بوضاحت دیده می‌شود، به گفته استاد "موسوی" در حاکمیت کنونی "پشتون‌محوری" و "اسلام‌محوری" به مثابه جانشین "حاکمیت محوری" آهسته آهسته به طرف تقابل با یک دیگر روانند.

تا جایی که از دقت در اخبار منتشره از جانب طالب و نظام ملا سالار در یک سو و "حامد کرزی" در سوی دیگر می‌بر می‌آید، در حالی که نظام ملا سالار جهت بیرون رفت از مشکلات کنونی و قانونیت و مشروعیت بخشیدن به نظام شان در صدد اند، تا تجمع بزرگی از ملا‌ها و مولوی‌ها و شاید هم چند شیخ و آیت الله را دعوت و بر مبنای فیصله آنها ادعای قانونیت و مشروعیت نمایند، "حامد کرزی" جاسوس سرسپرده امریکا که نقش بس بزرگی در احیای مجدد طالب و سپردن قدرت به آنها داشت، امروز ضمن مصاحبه با "اسوشیتد پرس" رسماً اعلام داشت که یگانه راه بیرون رفت از معضلات کنونی و فراهم ساختن زمینه شناسائی نظام از جانب کشور های خرد و بزرگ و دور و نزدیک، دعوت از "لویه جرگه سنتی" است.

هرگاه خواسته باشیم این پیشنهاد ها و دو طرز تفکر را با یک دیگر از لحاظ خاستگاه، موقف و موضعگیری اجتماعی هردو جلسه احتمالی مقایسه نمائیم، دیده می‌شود که طالب و نظام ملا سالار، تعیین سرنوشت کشور و مردم را فقط حق و وظیفه قشر آخوند و ملا دانسته، بقیه تمام طبقات و اقشار اجتماعی اعم از خوانین و ملاک‌ها را در تعیین سرنوشت کشور، مردم و نظام آینده صاحب صلاحیت نمی‌دانند، یعنی آنها واقعاً به نظامی متعهد اند که این قلم آن را نظام ملا سالار نامیده است.

نقطه مقابل آنها "حامدکرزی" که از خاستگاه طبقاتی یک خان بزرگ درانی برخوردار است، راه حل را در اتحاد سراسری طبقه فئودال و خوانین دانسته، این که در بین آنها موقف طبقاتی برخی از آنها ملا و مولوی باشد و یا موضعگیری دیگری داشته باشد، زیاد مهم نیست. آنچه برای آنها مهم است خاستگاه طبقاتی خان و خانزاده بودن می‌باشد.

هموطنان گرامی!

ترکیب هردو مجلس احتمالی چه مرکب از قشر مفت خور آخوند و ملا باشد و چه متشکل از زالوصفتان طبقات حاکم فئودالی و متحدان آنها، واضح نشان می دهد که در هیچ یک از آنها به همان سان که طبقات کارگر، دهقان، زنان و بقیه زحمتکشان و سایر اقشار روشن بین جامعه شرکت و نمایندگی ندارند، خواست آنها یعنی دموکراسی، آزادی، رفاه و ترقی اجتماعی نیز جایگاه نداشته، هریک از مجالس اگر دایر هم شوند، کوچکترین گامی در جهت رفاه و آرامی مردم ما نخواهد برداشت.

عکس آن، به همان سان که در تجمع چند ده و یا صد و یا هزار ملا و آخوند، نظام ملاسالار خواهد کوشید تا پایه های حاکمیت ارتجاعی خودش را بر مبادی احکام و فیصله های "اسلامی" مشروعیت و قانونیت ببخشد و از جهان بخواهد برمینای آن رژیم "ملا سالار" را به رسمیت بشناسند، در صورت دومی، یعنی تجمع مشتی ستمگر و استثمارگر که در خیانت پیشگی دست کمی از ملا و آخوند ندارد زیر نام "لویه جرگه" باز هم نظام مبتنی بر آن، کمترین تعلقی به خلق افغانستان نخواهند داشت.

هموطنان گرامی!

این که سرانجام کدام یک از پیشنهادات عملی خواهد شد در ماهیت قضیه کدام تفاوتی به وجود نخواهد آورد، چه نظام برخاسته و مبتنی بر تعمیل هر دو پیشنهاد، ضد ملی و ضد ترقی اجتماعی خواهد بود. در هر دو حالت کوشش به عمل خواهد آمد تا از کیسه مردم و به ضرر مردم کرنش ها و گذشت هائی در قبال خواست های امپریالیستها صورت گیرد. تجربه نشان داده است که در چنین شرایطی راه نجات از مخصه، صبر و انتظار نیست بلکه شجاعانه ورود به میدان مبارزه و امپریالیسم و ارتجاع را از موضع دفاع از منافع کارگران، دهقانان و بقیه طبقات و اقشار زحمتکش و روشن بین به نبرد مرگ و زندگی فراخواندن می باشد.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**